

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۲۷/۳/۱۳۸۸

رباعیات امروز

لباس رهبری

در شهر من از دیو پری می سازند
وز زاغ و زغن کبک دری می سازند
بر قامت هر بی سر و پا راهزنی
صد گونه لباس رهبری می سازند

ترازوی هوس

بر شانه ما بار صفا سنگین است
گلواژه احساس خندا سنگین است
آنجا که ترازوی هوس در دست است
آوای خوش فرشته ها سنگین است

همپای تبر

همپای تبر راهی سروستانیم
تا جان ز طراوت چمن بستانیم
ورد لب هر زاغ و زغن گردیدیم
ما راوی تلخ یک هزار دستانیم

طبع مشتری

زان روز که از خویش بری گردیدیم
شاگرد کلاس دلبری گردیدیم
از بس که به ساز این و آن رقصیدیم
بایسته طبع مشتری گردیدیم

بازیچه

با عشق اگر چه رو برو گردیدیم
سنگ سر راه گفت و گو گردیدیم
در کوچه تمام بچه ها می گویند
بازیچه دستان عدو گردیدیم

تباهی اندیشه

اندیشه ات از ریشه تباهی دارد
در دست هوس تیشه واهی دارد
در ماتم ارباب صفا خندان است
دیوار و در شهر گواهی دارد

پهلوی بهار

با سنگ سر راه نشستی ای باد
پهلوی بهار را شکستی ای باد
آتش به تنت باد که در گلشن ما
در را به رخ چلچله بستی ای باد

پهنای حلاوت

تا دیـــــده ما همدل دریا نشود
توفیق رفیق طـــــالع ما نشود
تا دست به دست قطره ها نسپاریم
پهنای حـــــلاوتی هویدا نشود

راه دیگران

چشمی که به راه دیگران می دوزیم
بر جان خودی تیر و کمان می دوزیم
با تار کسان نقشه رسوایی ماست
هر پرده که بر چهره جان می دوزیم

داروی شفا

سرمایه شادی شما گردیدیم
تا با غم خویش آشنا گردیدیم
زین نسخه که بر مردم ما پیچیدید
بیـــــزار ز داروی شفا گردیدیم
